

**نوتیایی از خاک پا
(اهمیت قدمگاه‌های منسوب به اولیا
از زاویه کلامی، عرفانی و ادبی)
اکبر ساجدی***

چکیده

در سرزمین‌های اسلامی، آثار و ابنیه‌ای وجود دارد که تاریخ با عظمتی را در خود جای داده است. حفظ و حراست از این آثار و نشانه‌ها بسیار ضروری است. اهمیت برخی از این ابنیه و آثار، به دلیل حضور و قدم گذاشتن برخی از اولیای دین است. این پژوهش، با محور قرار دادن اهمیت قدمگاه‌ها و مقامات منسوب به اولیای دین، مسئله را از زاویه کلامی، عرفانی و ادبی، بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که در طول تاریخ اسلام و حتی قبل از اسلام، توجه به قدمگاه و مقامات اولیا در اندیشه بشری وجود داشته و آیات قرآن بر این اندیشه مهر تأیید زده است. توجه به مقام ابراهیم علیه السلام در قرآن و دستور به نماز خواندن در آن مکان، در همین راستاست. در آموزه‌های روایی نیز این توجه در قالب اهمیت نماز خواندن در مقامات موجود در مسجد کوفه، به خوبی دیده می‌شود. اهمیت جای پای محبوب در ادبیات

*. دکترای تخصصی، دانشیار و گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز
akbarsajedi@gmail.com

عرفانی نیز نمود وسیعی داشته و بسیاری از شعرا از تعبیر «خاک پایت را توتیای چشمم خواهم ساخت» استفاده کرده‌اند. طبیعی است که این نگاه می‌تواند پاسخی محکم به دیدگاه دُگم و متحجرانه و هابیت در موضوع تبرک به آثار و ابنیه دینی و تقدس آنها باشد.

کلیدواژه‌ها: قدمگاه، مقام، توتیا، تقدس، تبرک، ادبیات عرفانی

مقدمه

مکان‌های باستانی و تاریخی در هر کشوری، از جاهای جذاب بوده، شناسنامه هویت و تمدن و میراث فرهنگی آن منطقه به‌شمار می‌آید. نگاه غالب امروزی به این مناطق، نگاهی سکولار توریستی و باستانی است و کمتر به نگاه دینی و عقیدتی اهمیت داده می‌شود؛ حال آنکه ارزش اعتقادی و دینی این مکان‌ها اگر بیشتر از ارزش باستانی آنها نباشد، کمتر نیست. کم نیستند جاهایی از سرزمین‌های اسلامی که به دلیل حضور چندروزه یا چندساعته یکی از انبیا، اولیا و امامان علیهم‌السلام «قدمگاه» یا «مقام» نام‌گذاری شده و در طول تاریخ، این نام برای آن مکان حفظ شده است. آنچه این پژوهش در پی آن است، تبیین ارزش کلامی، عرفانی و ادبی این مکان‌هاست. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که از منظر کلامی، عرفانی و ادبی، قدمگاه‌ها و مقامات اولیا چه اهمیتی دارند؟

مفاهیم و اصطلاحات

۱. قدمگاه

قدمگاه؛ یعنی جای گام نهادن، جایی که پای پیامبر یا امام یا ولی به آنجا رسیده باشد؛ محلی که اثر پایی در سنگ و جز آن پدیدار باشد (معین، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۲۶۴۷).

۲. مقام

مقام، واژه‌ای عربی از ماده «ق. و. م»، و اسم مکان قیام، به معنای محل ایستادن است. این واژه در معنای منزلت، درجه، رتبه و جایگاه معنوی کسی نیز به

کار می‌رود (همان، ج ۴، ص ۴۲۸۳)؛ چنان‌که حافظ، مقام را در شعر زیر در معانی اخیر به کار برده است:

من این مقام به دنیا و آخرت ندهم
اگرچه در پی‌ام افتند هر دم انجمنی
(حافظ، ۱۳۷۲ ش، ص ۶۵۰)

در معنای اول، مراد از مقام، معنای ظاهری قیام است؛ یعنی محل ایستادن که در فارسی می‌توان به «قدمگاه» و «جای پا» ترجمه کرد.

در این مقاله در حد امکان، واژه «قدمگاه» به جای کلمه «مقام» استفاده خواهد شد؛^۱ زیرا اولاً واژه «قدمگاه» فارسی است و در مقاله‌ای که به زبان فارسی است، نیکوست که از واژگان فارسی استفاده شود؛ مگر اینکه معادل فارسی برای آن وجود نداشته باشد. ثانیاً برای یکدستی مقاله، بهتر است از یک واژه برای رساندن مقصود استفاده شود. ثالثاً برای جلوگیری از سوء برداشت و تبادل معنای معنوی مقام، بهتر است واژه «قدمگاه» به کار رود؛ زیرا کلمه «مقام»، مشترک لفظی بین معنای ظاهری و باطنی است؛ اما واژه «قدمگاه»، مختص معنای جای ایستادن است و معنای منزلت و جایگاه معنوی از آن متبادر نیست.

۳. توتیا

اکسید طبیعی و ناخالص روی، که در چشم پزشکی به کار می‌رفته و گندزدای بسیار قوی بوده که محلول رقیق آن را برای شست‌وشوی مخاط و پلک‌ها به کار می‌بردند (معین، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۱۱۶۱).

این واژه در ادب و شعر فارسی، فراوان به کار رفته و شاعر یا نویسنده، هنگام وصف معشوق و محبوبش، شدت چشم‌انتظاری‌اش را به بیماری تشبیه می‌کرده که فقط خاک پای محبوبش، مایه چشم‌روشنی او بوده است.

۱. البته گاهی به دلیل محدودیت ترجمه نام و علم، ترجمه «مقام» به «قدمگاه» شایسته نیست؛ مثلاً کسی که قرآن را ترجمه می‌کند، شایسته نیست برای «سوره بقره» از واژه «سوره گاو» استفاده کند! درباره مقام نیز اگر چنین قضیه‌ای وجود داشته باشد، ترجمه «مقام» به «قدمگاه» محدودیت خواهد داشت.

برای نمونه، حافظ از این تعبیر در اشعارش بسیار استفاده کرده است:

گر دهد دستم کشم در دیده همچون توتیا خاک راهی کان مشرف گردد از اقدام دوست
(حافظ، ۱۳۷۲ ش، ص ۸۷)

یعنی اگر بتوانم خاک راهی را که دوست بر آن قدم زده و آن را با ارزش کرده است، به دست بیاورم، مانند توتیا به چشم می کشم و بر دیده ام می گذارم (زیانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۱۷) یا در جایی دیگر چنین سروده است:

هر کس که گفت خاک در دوست توتیاست گو این سخن معاینه در چشم ما بگو
(حافظ، ۱۳۷۲ ش، ج ۵۶۴)

دو احتمال در معنای این شعر وجود دارد: اول، کسی که گفت خاک در گاه و آستانه دوست همانند توتیا شفابخش چشم هاست، به او بگویند که در برابر چشمان بیمارم این سخن را بازگو کند تا من هم آن خاک را در چشمانم بریزم و شفا یابم. ادله اینکه خاک در دوست، ارزشمندتر از توتیاست و کسی که چنین سخنی گفته، اگر جرئت دارد، آن را مقابل چشمان من بگوید (زیانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۱۷).

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش با محوریت قدمگاه را می توان در دو دسته طبقه بندی کرد: دسته نخست؛ تحقیقاتی است که مقام ابراهیم علیه السلام را از زاویه فقهی احکام و مناسک حج بررسی کرده اند که از آنها عبارت اند از؛ «مقام ابراهیم و سیر تاریخی در آن» (گودرزی و پیشوایی، ۱۳۷۳ ش، صص ۶۶-۵۷)؛ «مقام ابراهیم و نقش آن در طواف و نماز» (ذاکری، ۱۳۷۷ ش، صص ۶۸-۴۳)؛ «مقام ابراهیم علیه السلام و جایگاه آن در فقه» (آخوندی، ۱۳۸۸ ش، صص ۲۶-۵)؛ «نقش مقام ابراهیم در نماز طواف» (درگاهی و عندلیبی، ۱۳۹۵ ش، صص ۴۶-۸).
دسته دوم؛ پژوهش هایی است که قدمگاه های منسوب به امام رضا علیه السلام را از زاویه تاریخی و جغرافیایی بحث و بررسی کرده اند؛ برای نمونه، مقالاتی که در پی می آیند، از این دسته اند:

«قدمگاه‌های منسوب به امام رضا علیه السلام در ایران» (سعیدی زاده، ۱۳۹۱ ش، صص ۲۴۶-۲۱۷)؛
«قتلگاه، غسلگاه، قدمگاه و سجده گاه امام رضا علیه السلام» (نقدی، ۱۳۹۴ ش،
صص ۱۳۴-۱۲۶).

گفتنی است، تحقیق حاضر، اولاً: مطلق مقام‌ها و قدمگاه‌ها را بررسی کرده و ثانیاً: ابعاد
کلامی، عرفانی و ادبی آن را مد نظر داشته است.

مبانی دینی حراست از اماکن دینی

آثار تاریخی هر ملت، شناسنامه و هویت فرهنگی آنهاست. ضرورت حفظ
و پاسداشت اماکن باستانی، به‌ویژه اماکن مذهبی و دینی، بر کسی پوشیده نیست.
هر اثر و میراث تاریخی، در روزگاری پدیده‌ای بوده که تاکنون ماندگار شده
است. بر این اساس، مکاتبه‌ها، تعهدنامه‌ها، لوح‌ها، مجسمه‌ها، نقش‌ها، نشانه‌ها، بناها
و مانند آنها را می‌توان تاریخ عینی یا ماندگار، در برابر تاریخ علمی و مکتوب نامید.
تاریخ عینی و ماندگار، پل‌های ارتباطی دیروز و امروزند. صیانت از آثار و ابنیه
تاریخی، بر مبانی دینی و اسلامی فراوانی استوار است. مضمون آیات و روایات
و اخبار، آن است که اسلام به هر دو مفهوم تاریخ علمی و تاریخ عینی، اهتمام
بسیاری داشته است.

در این میان، مبانی را که در ادامه می‌آید، می‌توان در لزوم و ضرورت حفاظت
و نگهداری از میراث تاریخی و دینی برشمرد؛ سنت کتابت و روایت، جایگاه گردشگری
در اسلام، سیره سلف صالح در صیانت از آثار تاریخی برجا مانده از پادشاهان، سنت
زیارت و تبرک، مواجهه عملی فقها با تصاویر و پیکرهای برجامانده از ماقبل اسلام،
سنت وقف و همچنین شأن ذاتی مسجد در اسلام. بر همین اساس بود که پیامبر صلی الله علیه و آله
و اصحاب برگزیده ایشان و فقهای گذشته، به جز بت‌ها، به تخریب و انهدام هیچ اثر
تاریخی دستور ندادند؛ تا جایی که سکه‌های منقوش ایرانی و رومی، ده‌ها سال نقد
رایج مکه، مدینه، عراق، مصر و شام بود (عزیزی، ۱۳۹۶ ش، ص ۱۸۱).

اهمیت نام‌ها و نشانه‌ها

کم نیستند شهرها و مناطقی که در طول تاریخ، به دلیل رخداد مهمی، نامشان عوض شده است. وجود متبرک انبیا، اولیا و ائمه علیهم‌السلام باعث شده تغییراتی این‌چنین در طول تاریخ اتفاق بیفتد. برای نمونه، می‌توان به نام‌گذاری برخی مکان‌ها به «قدمگاه» به دلیل عبور حضرت امام رضا علیه‌السلام، و تغییر نام قریه «سناباد» به «مشهد» بعد از شهادت امام رضا علیه‌السلام اشاره کرد (عرفان‌منش، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹۰).

در این میان، نه فقط نام‌ها، که جغرافیای شهری نیز به دلیل دربرگرفتن آثار و قبور پاک امامان علیهم‌السلام و حتی امامزادگان تغییر یافته است؛ مثلاً وقتی که حضرت معصومه علیها‌السلام به قم تشریف آوردند، مرکزیت قم، غیر از مرکزیت کنونی بوده است. اولاً: طبق گزارش‌های تاریخی، حضرت در اطراف قم، جایی که باغی به نام بابلان قرار داشته، دفن شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸، ص ۲۹۰) و ثانیاً وجود بناهای قدیمی همچون مسجد جامع قم در منطقه‌ای غیر از مرکزیت فعلی، نشان‌دهنده تغییر موقعیت شهری قم است.

همین قضیه درباره مشهدالرضا نیز صادق است. بنابر گزارش تاریخ، حضرت در قریه سناباد و باغ حمید بن قحطبه دفن شده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۱). در آن روزگار موقعیت شهری طوس، به مراتب مهم‌تر از قریه سناباد بوده است؛ حال آنکه امروز از شهر مهم طوس، جز خرابه‌ها و چند بنای باستانی چیزی باقی نمانده است. در عوض، باغ حمید بن قحطبه در روستای سناباد، به یکی از بزرگ‌ترین شهرهای مذهبی جهان اسلام تبدیل شده است.

قدمگاه در قرآن

قدمگاهی که قرآن به آن موضوعیت داده، مربوط به مقام ابراهیم علیه‌السلام است. واژه مقام ابراهیم علیه‌السلام در دو آیه تکرار شده است. خداوند در این آیات، به نماز خواندن نزد مقام ابراهیم علیه‌السلام دستور می‌دهد و این مقام از آیات ینات می‌شمرد؛ آیه نخست چنین است:

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ (بقره: ۱۲۵).

«و [به خاطر بیاورید] هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم و [برای تجدید خاطره] از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید و ما به ابراهیم و اسماعیل، امر کردیم که «خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.»

آیه دومی که واژه مقام ابراهیم عليه السلام در آن آمده، چنین است:

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَمَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَن اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۷).

«در آن، نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن [خانه خدا] شود، در امان خواهد بود و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) نکند؛ آنها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است.»

هر چند بین مفسران، در مفهوم و مصداق مقام ابراهیم عليه السلام اختلافاتی هست، قول تحقیقی و مشهور آن است که منظور از مقام ابراهیم عليه السلام، همان سنگی است که امروزه در فاصله اندکی با کعبه قرار دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، صص ۴۳-۴۴).

فرورفتگی پا در سنگ، آیه‌ای از آیات بینات

زمانی که حضرت ابراهیم عليه السلام مشغول ساختن کعبه بود، سنگ سختی زیر پای حضرت قرار داشت که به اذن و قدرت خداوند، پای حضرت در آن فرو رفته و جای پای او بر آن نقش بسته است. همین مطلب می‌تواند جنبه‌ای از آیات بینات بودن مقام تلقی شود (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۰۳).

از آن زمان که پاهای حضرت ابراهیم عليه السلام به قدرت خدا در سنگ فرو رفت، بیش از پنج هزار سال می‌گذرد و میلیون‌ها انسان در طول این دوران و پیش از آن، که

سنگ در مقصوره کنونی قرار داده شود، آن را از نزدیک زیارت کرده و با دست کشیدن بر آن تبرک جسته‌اند. همین امر، موجب شده است تا رفته‌رفته نشان فرورفتگی پاها از حالت اصلی خارج شود و به صورت دو حفره در آید و اثر انگشتان از بین برود. البته تا زمان رسول خدا ﷺ تا حدودی آثار انگشتان مشخص بوده است (قاضی عسکر، ۱۳۸۴ش، ص ۱۴۶).

انس گوید: «من مقام را دیدم که در آن، جای انگشتان و بلندی کف پاهای ابراهیم آشکار بود، جز برخی قسمت‌های آن، که به دلیل دست کشیدن مردم، ساییده شده بود» (همان، صص ۱۴۷ - ۱۴۶).

برخی از کسانی که جای انگشتان و پاشنه پای ابراهیم عليه السلام را روی مقام دیده بودند، گفته‌اند: «از بس مردم بر آن دست کشیده‌اند، ساییده شده و برخی از نشانه‌های آن از بین رفته است.» (ازرقی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، صص ۳۰ - ۲۹).

قدمگاه در منابع روایی و تاریخی

از قدمگاه‌های فراوانی در منابع روایی و تاریخی با عنوان «مقام» یاد شده است. فقط در مسجد کوفه و سهله، چندین مقام منسوب به امامان معصوم عليهم السلام و اولیای الهی وجود دارد. شیخ عباس قمی باب سوم از *مفاتیح الجنان* را به ادعیه و اذکار مرتبط با سفر و زیارت قرار داده و فصل پنجم و ششم آن باب را به مسجد کوفه و سهله مختص کرده و اعمال، ادعیه و اذکار مفصلی برای آنها نقل کرده است (قمی، ۱۳۸۶ش، صص ۶۳۹ - ۶۰۳).

ایشان در مقدمه فصل پنجم، که درباره مسجد کوفه است، اینگونه می‌نویسد: «و اما فضیلت مسجد کوفه، زیاده از آن است که ذکر شود و در بیان شرافت آن، همین کافی است که آن، یکی از چهار مسجدی است که شایسته است برای درک فیضشان، با شتاب به سوی آنها کوچ کردن و یکی از محل‌هایی است که مسافر، بین قصر و اتمام نماز در آن، مخیر است و نماز واجب در آن، برابر حج مقبول، و معادل هزار نماز است که در جای دیگر به‌جا آورده شود. در روایات وارد شده،

مسجد کوفه محلّ نماز پیامبران است و جایگاه نماز حضرت مهدی علیه السلام خواهد شد و در روایتی است که هزار پیامبر و هزار جانشین پیامبر در آن نماز به جا آورده‌اند.» (قمی، ۱۳۸۶ش، صص ۶۰۴-۶۰۳).

احادیث فراوانی به اهمیت و فضیلت مسجد کوفه اشاره داشته و تصریح کرده‌اند که آنجا خانه حضرت آدم، نوح، ادریس و مصلاّی حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است. برای نمونه، در *مالی صدوق* چنین آمده است:

«اصبغ بن نباته گوید: امیر مؤمنان علیه السلام در جمع مردم کوفه فرمودند: «خداوند چیزی را به شما بخشیده که به کسان دیگر نداده است. خداوند این نمازگاهتان را برتری ویژه بخشید. این مسجد، خانه آدم، جایگاه نوح، منزلگاه ادریس و مصلاّی ابراهیم خلیل و برادرم خضر علیه السلام و نمازگاه من است... و زمانی می‌رسد که همین مسجد، نمازگاه فرزندم مهدی و نمازگاه هر مؤمنی می‌شود. در زمین، مؤمنی نیست مگر اینکه به آن وارد شود یا به آن دل ببندد. مبدا آن را ترک و مهجورش کنید. در آن نماز بخوانید و با آن نماز، به خدا نزدیک شوید و حوایج خویش را از خدا بخواهید. اگر مردم به فضیلت این مسجد آگاه بودند، از اکناف جهان به سوی آن می‌شتافتند؛ اگر چه به خزیدن روی برف باشد.»^۱

طبیعی است که مکانی با آن همه عظمت و فضیلت، همواره مورد توجه عاشقان پاک‌دل بوده باشد و از همین رو، این امکان در طول تاریخ حفظ شده و به اصطلاح امروزی، کاربری خود را حفظ کرده‌اند. البته واضح است که گذشت زمان، تغییراتی را در معماری و ساختمان امکان مقدس ایجاد کرده باشد؛ اما اصل مکان و موقعیت جغرافیایی آن حفظ شده است. مثلاً اگر در روایات سخن از ستون خاصی در مسجد کوفه به میان آمده، طبیعی است که همان ستون امروز وجود نداشته باشد؛ اما موقعیت تقریبی آن امروزه با برخی علایم و نشانه‌ها حفظ شده است.

۱. «الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ قَالَ، جَبِينًا نَحْنُ ذَاتَ يَوْمٍ حَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي الْمَسْجِدِ الْكُوفَةِ إِذْ قَالَ: يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ لَقَدْ حَبَاكُمْ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - بِمَا لَمْ يَحِبُّ بِهِ أَحَدًا فَفَضَّلَ مُصَلَّاكُمْ وَهُوَ بَيْتُ آدَمَ وَبَيْتُ نُوحٍ وَبَيْتُ إِدْرِيسَ وَ مُصَلَّى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ وَ مُصَلَّى أَخِي الْخَضِرِ علیه السلام وَ مُصَلَّى...» (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۲۲۸).

در ادامه، شرحی کوتاه از مقامات منسوب به امامان و اولیا که در مسجد کوفه و سهله قرار دارند، ارائه می‌شود:

۱. قدمگاه‌های مسجد کوفه

۱. رَحْبَةُ امیرالمؤمنین؛ جلوی مسجد کوفه، جایی که در مسجد قرار دارد، سکویی است که امام علی علیه السلام پیش از نماز یا مواقع دیگر، روی آن می‌نشسته و به پرسش‌های مردم پاسخ می‌داده است. برخی روایات، به این موضوع اشاره دارند (براقی، ۱۳۸۷ش، ص ۸۱).

امام علی علیه السلام در آغاز خلافتش و همچنین در روزی از سال ۳۵ قمری که روز رجب خوانده شده، مردم را قسم داد تا به آنچه در واقعه غدیر دیده‌اند، شهادت دهند (امینی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۳۳۹).

۲. دَکَةُ الْقِضَاءِ؛ مکانی است که امام علی علیه السلام در آنجا قضاوت می‌کرد. در آن موضع، ستون کوتاهی وجود داشته که این آیه قرآن روی آن نوشته شده بود: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (قمی، ۱۳۸۶ش، ص ۶۰۸).

۳. بیت الطشت؛ محلی است که یکی از معجزات امام علی علیه السلام در آن رخ داد (همان).

۴. مقام حضرت آدم علیه السلام؛ ستون هفتم مسجد کوفه، معروف به مقام حضرت آدم است؛ مکانی که خداوند، توبه آدم را پذیرفت (همان، ص ۶۱۰). همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام نزدیک این ستون نماز می‌خواند؛ از این رو، به مقام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز معروف است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۳).

۵. مقام حضرت ابراهیم علیه السلام؛ ستون چهارم مسجد، جنب «باب انماط»، مکانی است که حضرت ابراهیم علیه السلام در آنجا نماز خوانده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۳).

۶. مقام جبرئیل؛ ستون پنجم مسجد کوفه، منسوب به حضرت جبرئیل است. (همان). همچنین امام حسن علیه السلام در نزدیکی این ستون نماز می‌خواند و از این رو، به مقام امام حسن علیه السلام نیز معروف است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۳).

۷. مقام حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام: ستون سوم مسجد، جایگاهی است که امام سجاد علیه السلام در آنجا نماز خوانده. ابو حمزه ثمالی می‌گوید:

دیدم علی بن الحسین علیه السلام وارد مسجد کوفه شد و دو رکعت نماز خواند و سپس سر به دعا برداشت. پس از مدتی راه مدینه را در پیش گرفت تا برگردد. به او گفتم: برای چه به اینجا آمدی؟ جایی که پدر و جدت را کشتند؟ فرمود: «پدرم را زیارت کردم و در این مسجد نماز خواندم و اینک به سمت مدینه باز می‌گردم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۵۵).

۸. محراب امیرالمؤمنین علیه السلام: مکانی است که ابن ملجم مرادی، فرق امام علی علیه السلام را شکافت و او را به شهادت رساند (قمی، ۱۳۸۶ش، ص ۶۲۳).

۹. مقام امام صادق علیه السلام: راوی گوید: «در ایام بنی عباس، روزی دیدم امام صادق علیه السلام از باب الفیل وارد شد و نزد ستون چهارم نماز خواند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۳).

۲. قدمگاه‌های مسجد سهله

مسجد سهله، از کهن‌ترین مساجد منسوب به حضرت امام زمان علیه السلام است و بنا بر برخی روایات، محل زندگی ایشان پس از ظهور نیز خواهد بود (همان، ص ۴۹۵) در بخش‌های مختلف صحن مسجد، محراب‌هایی ساخته شده است که به نام پیشوایان دینی نام‌گذاری شده؛ مانند مقام امام صادق و امام سجاد علیه السلام، حضرت ابراهیم، ادریس و خضر نبی.

۱. مقام ابراهیم علیه السلام: این مقام در جهت شمال غربی و بین دیوار غربی و شمالی واقع شده و در روایتی آمده است که این مسجد، خانه ابراهیم علیه السلام بوده که از آنجا به سمت قوم «عمالقه» رفت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۹۴).

۲. مقام ادریس: این مقام بین دیوار شرقی و شمالی است. این مقام را مقام عیسی هم می‌نامند. این قسمت از مسجد، به «بیت الخضر» نیز معروف است. در روایتی، گفته شده که بیت ادریس نبی، داخل مسجد سهله بوده و بر این نکته اذعان شده است که

هر غم زده‌ای وارد آنجا شود و بین عشائین نمازی بخواند و خدا را بخواند، گشایشی برای او حاصل شود (همان، ص ۴۹۵).

۳. مقام خضر: این مقام در گوشه جنوب شرقی مسجد است. (فقیه بحرالعلوم و خامه یار، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۴).

۴. مقام امام زین العابدین علیه السلام: این قسمت، در میانه مسجد، کمی مایل به سمت شرقی است. شیخ عباس قمی بعد از نقل اعمال و ادعیه مربوط به این مکان، می نویسد: «این مکان شریف در این زمان، معروف به مقام امام زین العابدین علیه السلام است» (قمی، ۱۳۸۶ ش، ص ۶۳۶).

۵. مقام امام جعفر صادق علیه السلام: این مقام، درست در وسط مسجد است. براساس روایات تاریخی، حضرت امام صادق علیه السلام مدتی در آنجا اقامت کرده و به عبادت و دعا مشغول بوده است (فقیه بحرالعلوم و خامه یار، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۵).

۶. مقام امام زمان علیه السلام: این مقام هم در قسمت میانی مسجد، کمی مایل به سمت جنوب، بین مقام های امام سجاده علیه السلام و حضرت یونس است (همان).

۷. مقام صالحین و انبیای مرسلین: علی ابن ابراهیم از پدرش نقل می کند: در سالی از حج بیت الله برمی گشتیم و به مسجد سهله رسیدیم، با شخصی روبه رو شدیم که در حال رکوع و سجود بود. بعد از اتمام دعاهایش از او پرسیدیم: اینجا کجاست؟ فرمود: اینجا مقام انبیا و صالحین است. بعد از مدتی از نزدمان رفت و ناپیدا شد. رفیقم به من گفت که او حضرت خضر بود (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، صص ۴۴۴ - ۴۴۳).

انتساب مقامات مسجد کوفه و سهله به معصومان علیهم السلام

مقاماتی که گفته شد، نام برخی از آنها در منابع روایی آمده است و برای برخی نیز اصلاً اثری در روایات دیده نمی شود. مقام هایی هم که در روایات آمده، به لحاظ سندی نیازمند بررسی هستند.

بر اساس پژوهشی که در روایات مربوط به این دو مسجد صورت پذیرفته، مشخص گردیده که «در خصوص مکان های معینی از مسجد کوفه، اعمال و ادعیه ای با نص

صحیح یا معتبر وارد شده که بیانگر توجه و اهمیت عبادت در آن مکان نزد امام معصوم علیه السلام بوده و ارشاد به این مطلب است که انجام دادن عبادت در این مواضع، در کمال عمل عبادی و بهره‌مندی از ثواب تام، نقش دارد. اما در مورد قسمت‌های دیگر مسجد کوفه و همچنین تمام مسجد سهله، دلیل روشنی بر خصوصیت داشتن موضعی از آنها یافت نشد. همچنین انجام دادن عبادت در مکان‌های منسوب به انبیا و امامان معصوم علیهم السلام در هر دو مسجد شریف، به دو شرط یقینی بودن انتساب و اثبات عبادت مکرر معصوم علیه السلام در آن محل، در کمال عمل دخیل است و اقتدا به سیره عملی معصومین علیهم السلام شمرده می‌شود. اما در صورت اثبات نشدن عبادت مکرر معصومین علیهم السلام در آن محل و با فرض یقینی بودن انتساب، عبادت کردن در خصوص آن موضع، فقط از باب تبرک جستن به آن مکان توجیه پذیر است» (ساجدی، ۱۳۹۶ش، صص ۴۹-۴۸).

قدمگاه در ادبیات عرفانی

توجه به جای پای معشوق و محبوب در ادبیات عرفانی، نمود فراوانی دارد. بسیاری از شعرا و نویسندگان، شدت محبت و عشق به محبوب را در قالب کنایی «توتیای چشم از خاک پا» بیان کرده‌اند. نظامی گنجوی در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله چنین سروده است:

ای خاک تو توتیای بینش روشن بتو چشم آفرینش
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۰ش، ص ۴۳۱)

هرچند این ترکیب، بیشتر درباره غیر اولیا و بزرگان دینی به کار رفته است، اما توجه به قدمگاه محبوب را به خوبی نشان می‌دهد. اشعار ذیل از آن نمونه‌اند:

بپرسیدش که چون افتاد رایت که ما را توتیا شد خاک پایت
(نظامی گنجوی، ۱۳۸۶ش، ص ۴۱۵)

خیالت پیشوای خواب و خوردم غبارت توتیای چشم‌دردم
(همان، ص ۴۳۱)

- خاک کفت چشم مرا تویاست وعده تو گوش مرا گوشوار
(مولوی، ۱۳۶۷ش، ص ۴۶۰)
- به خاک پای تو هر دم همی کنند پیغام هزار چشم که ای توتیا سلام علیک
(همان، ص ۵۱۴)
- ای غبار خاک پایت توتیای چشم من کمترین گردی ز کویت خون بهای چشم من
(سلمان ساوجی، ۱۳۶۷ش، ص ۲۵۰)
- خار باغ توست در دست حکیمان سرخ خاک پای توست بر چشم کریمان توتیا
(منتجب‌الدین، ۱۳۶۶ش، ص ۳۶۹)
- اگر زکوی تو گردی به من رساند باد به خاک پای تو کان را چه توتیا دارم
(حلاج، ۱۳۰۵ش، ص ۸۲)
- ای توتیای اهل نظر خاک پای تو هم توتیا ز خاک رخت دیده مرا
(مجاهدی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۱۶)
- ای توتیای دیده جان خاک پای تو برتر ز عرش بارگه کبریای تو
(مجدی سقزی، به نقل از: خیریه، ۱۳۹۲ش، ص ۲۱۹)
- ای آن که جای پای تو خود بوسه گاه ماست بر درگه رقیب چرا پا گذاشتی
(حالت، ۱۳۶۴ش، ص ۲۷۸)

پیام‌های معنوی قدمگاه

از توجه به قدمگاه اولیا، درس‌های تربیتی و اخلاقی فراوانی می‌توان گرفت. اسلام به دنبال تربیت همه‌جانبه انسان‌هاست؛ از این رو، معارف دینی بر الگو و سرمشق قرار دادن اولیای الهی تأکید می‌کند؛ برای نمونه، به درس‌هایی که می‌توان از مقام ابراهیم علیه السلام آموخت، اشاره می‌شود:

۱. درس آموزی از مقام ابراهیم علیه السلام

از آنجا که قرآن، ابراهیم علیه السلام را اسوه و الگوی خداپرستان معرفی کرده و فرموده است: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ»، (ممتحنه: ۴)

۱. «مسلماً برای شما در ابراهیم، سرمشقی نیکو وجود دارد.»

شایسته است حج گزاران هنگام حضور در مسجدالحرام روبه روی مقام ابراهیم نشسته، جایگاه و منزلت آن حضرت را در پیشگاه خداوند به یاد آورند و از راه و رسم آن پیامبر بت شکن الگو گرفته، برای آینده خود درس بیاموزند و با چشم دل، هزاران سال به گذشته بازگردند و ابراهیم و اسماعیل را که مشغول ساختن کعبه هستند، نظاره کنند (قاضی عسکر، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۶۵).

ابراهیم علیه السلام مسلمان واقعی است (آل عمران: ۶۷)، از تمام آزمون های الهی سرافراز بیرون آمده است (بقره: ۱۲۴)، خلیل و دوست خداست (نساء: ۱۲۵)، صبور و بردبار است (هود: ۷۵). او پیشوای صالحان و خود، به تنهایی یک امت است (نحل: ۱۲۰). شکر گزار نعمت های خدا و برگزیده خداست (نحل: ۱۲۱). پیامبری صدیق است (مریم: ۴۱). به پیمانی که می بندد، وفادار است (نجم: ۳۷). در بیزاری و برائت از مشرکان الگو و نمونه خوبی است (ممتحنه: ۴). ابراهیم علیه السلام کسی است که عزیزترین خانواده خود را در وادی بی آب و علف، فقط برای برپاداشتن امر الهی سکونت داده است (ابراهیم: ۳۷) و در نهایت، در عظمت او همین بس که شصت بار نام او در قرآن تکرار شده و در تمام آنها تمجید و ستایش شده است.

کسی که در راه خداوند حاضر شود، خود و همسر و فرزندش را تسلیم نماید، باید تمام سرها در جای پای او برای خداوند به خاک برسد (قرآنی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۲۰۰).
فرو رفتن پای ابراهیم علیه السلام در این سنگ سخت، این نکته را تداعی می کند که باید زیر بار مسئولیت، این گونه ایستاد و متزلزل نشد. باید زیر این بار، چنان محکم و ثابت بایستی که رد پای تو بر سنگ نقش بندد. ابراهیم علیه السلام این گونه زیر بار مسئولیت ایستاد. او متزلزل نشد و از دست نرفت. ما گاهی چنان بی حال و ضعیف راه می رویم که آب هم زیر پای ما خط بر نمی دارد.

این قرآن است که به ما می گوید: ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا﴾ (بقره: ۱۲۵۶)؛ «از جای پای ابراهیم برای خودتان مکان نمازی اتخاذ کنید.» قرآن به ما توجه می دهد که اگر سنگ ها زیر بار مسئولیت های سنگین سوراخ شدند، باکی نیست؛ اما تو ای انسان باید تا این حد ایستاده و مقاوم باشی و نباید از پای بیفتی (صفایی حائری، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۵).

مقام ابراهیم علیه السلام به کسانی که در حال طواف بیت هستند، با زبان حال می گوید جایی که در حال قدم زدن در آن هستی، معمولی نیست؛ اینجا محل قدم زدن ابراهیم هاست. حال که تو نیز پا در جای پای ابراهیم گذاشته‌ای، در عمل و رفتار و اخلاق نیز ابراهیم وار زندگی کن.

اگر انسان ظرفیت درک حقایق را داشته باشد، می تواند هنگام طواف، نیت و خودیت خود را کنار گذارد و احساس کند که این ابراهیم است که طواف می کند. آن موقع می تواند به عظمت مسئولیتی که در برابر خدا و بندگانش دارد، واقف شود. این معنا را می توان از شاهنامه فردوسی برداشت نمود:

فریدون فرخ فرشته نبود ز مشک و ز عنبر سرشته نبود
به داد و دهش یافت آن نیکویی تو داد و دهش کن فریدون تویی
(فردوسی، ۱۹۶۳م، ج ۱، ص ۲۵۲)

فردوسی پس از درگذشت فریدون، بزرگ ترین فرمانروای آرمانی شاهنامه، این فلسفه را به خوبی جلوه گر می سازد که نژاد و ویژگی های مافوق بشری و الهی، عامل بقا و خوش نامی نخبگان سیاسی نیست؛ بلکه مردمی بودن و آزادگی و عدالت پروری فرمانروایان دلیل این امر است و هر فردی از مردم ایران با همان ویژگی، می تواند به مقام والای فریدون برسد (احمدی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۵).

این نگاه که نمی توان به مقام اولیا دست یافت، مردود است. هر چند مقام های نبوت، رسالت و امامت برای انسان های عادی دست نیافتنی است، دستیابی به دیگر مقامات انسان کامل، برای هیچ کس محدودیتی ندارد. از این رو است که انسان عادی نیز می تواند به مقام مخلصان و عصمت نایل شود.

«اگر انسان سالک به مقام اخلاص راه یابد، در امنیت راه و هدف قرار می گیرد و جزو صالحان می شود و در این مقام، تحت ولایت الله است و شیطان و هیچ کس دیگری به آنجا راه ندارد تا بتواند وسوسه و دسیسه کند و فریب کاری و دغل بازی به کار گیرد. این دشمن سوگندخورده و از هر جهت بی رحم و شرور، اقرار و اعتراف نموده که به مقام مخلصان راه ندارد و نمی تواند بر ضد آنان کاری انجام

دهد. در هر صورت، حضرت حق گروه‌هایی از بندگانش را جزو کسانی معرفی می‌کند که شیطان به آنان دسترسی ندارد. یکی از آن گروه‌ها مخلصان هستند که از مصادیق اتم و اکملشان، پیامبران و امامان‌اند. این گروه یکی از گروه‌ها هستند نه همه آنان. بنابراین، رسیدن به مقام عصمت، انحصاری نیست و غیر آنان هم می‌توانند از طریق وصول به مقام عبودیت خالصانه، به مقام عصمت در دو مرحله علم و عمل دست یابند.» (انصاریان، ۱۳۸۳ش، صص ۲۱۳-۲۱۲).

نظیر این حقیقت را می‌توان در تعابیر حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای که حضرت به عثمان بن حنیف نوشتند، یافت. حضرت در آن نامه تأکید کردند که شما نمی‌توانید مثل من باشید؛ اما سعی کنید تا می‌توانید با تقوا و پرهیزکاری، خود را به من شبیه و نزدیک سازید (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۱۷).

آسیب‌شناسی قدمگاه

از مهم‌ترین آسیب‌های قدمگاه از بُعد تاریخی، دقت نداشتن در انتساب قدمگاه به اولیای دینی است؛ مثلاً درباره قدمگاه‌های منسوب به حضرت امام رضا علیه السلام در برخی منابع از جاهایی نام برده شده که اساساً واقعیت تاریخی ندارند و بیشتر منشأ پیدایش این اماکن ساختگی، خواب و رؤیاست. وجود این اماکن، اگرچه نشان‌دهنده میزان عشق و علاقه مردم ایران به خاندان عصمت و طهارت است، نمی‌تواند دست‌مایه مناسبی برای انتساب آنها به قدمگاه امام رضا علیه السلام بوده باشد (عرفان‌منش، ۱۳۹۰ش، ص ۱۰).

کنار اشتباهات تاریخی، سوء استفاده از احساسات پاک مردم را نیز باید به این مسئله افزود. احساسات پاک مردم در علاقه به اولیای دینی، گاهی باعث برخی انحرافات و خرافات می‌شود. در عین حالی که اعتبار برخی مقامات و مکان‌های مقدسی که در ایران یا دیگر کشورها هستند، جزو مسلمات تاریخی است، طبیعی است که به صورت کلی نمی‌توان همه مکان‌های معروف به قداست را مقدس دانست. معروف شدن یک مکان به قداست، شاید به دلیل حيله گری و دغل‌بازی عده‌ای سودجو باشد که بخواهند از احساسات پاک مردم سوء استفاده کنند. در این باره

ضرب‌المثلی وجود دارد که گفته می‌شود: «امام‌زاده‌ای است که باهم ساختیم.» این ضرب‌المثل درباره‌ی افرادی به کار می‌رود که دروغ‌های بزرگ می‌گویند و دروغ‌های خود را فراموش می‌کنند (دهخدا، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۲۸۲) در نتیجه، درباره‌ی انتساب قدمگاه‌ها و مقامات به اولیا و بزرگان دینی، باید حساسیت به خرج داد و از حق و حقیقت تبعیت کرد و به عبارتی، نه قدمگاهی واقعی را کم‌اهمیت تلقی کرد و نه مقامی ساختگی را رونق بخشید.

نتیجه‌گیری

بر اساس مجموعه‌مباحثی که طرح گردید، معلوم شد که توجه به قدمگاه و مقام‌های منسوب به اولیای دینی، ریشه در باورهای پاک انسان‌ها داشته است که آیات قرآنی و روایات نیز بر این باور صحه گذاشته‌اند. ماندگاری اثری تاریخی، نشان از محبوبیتی دارد که مردم به آن مقام دارند و این مسئله نمی‌تواند توجیهی غیر از محبت اصیل و عمیق به بزرگان دینی داشته باشد.

این نوع نگاه به آثار دینی، می‌تواند پاسخی محکم به تفکر دُگم و متحجرانه و هابیت باشد. در اندیشه و هابیت، تقدس و تبرک، محدود است به اموری که صراحتاً در آموزه‌های دینی ذکر شده باشد. از نظر آنان، استلام حجرالاسود به تبعیت از سنت پیامبر ﷺ پذیرفتنی است؛ اما استلام و تبرک به مقام ابراهیم علیه السلام به دلیل نبود سنت قطعی، شرک شمرده می‌شود! حال آنکه طبق گزارش تاریخ، لمس مقام ابراهیم علیه السلام در طول سالیان سال وجود داشته و گودی رد پای که در سنگ ایجاد شده، شاهدی بر این مدعاست.

اینکه قرآن به خواندن نماز پشت مقام ابراهیم علیه السلام دستور می‌دهد یا در روایات، خواندن مکرر نماز در موضعی از مسجد کوفه گزارش شده است، همگی حکایت از این واقعیت دارد جایی که پیامبر یا امام یا بزرگی از اولیای دینی قدم گذاشته، با دیگر جاها به لحاظ تقدس و معنویت، متفاوت است.

در همین راستاست که خط سیر حرکت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، مهم بوده و چندین شهر و روستا در طول تاریخ، به «قدمگاه» تغییر نام داده است. توجه به قدمگاه در ادبیات عرفانی نیز ریشه دارد. در این نوع از ادبیات، شاعر برای بیان شدت علاقه‌اش به محبوب، خود را به‌سان بیماری فرض می‌کند که فقط خاک پای محبوب می‌تواند روشنی چشم و درمان او باشد. این حس در اشعار فراوانی با ترکیب «توتیایی از خاک پا» بیان شده است.

در عین حال که توجه به قدمگاه و مقامات اولیا و بزرگان دین، به لحاظ تاریخی و عقیدتی اهمیت دارد، نباید از آسیب‌های این مطلب غافل ماند. دقت نداشتن در صحت انتساب قدمگاه و مقام به اولیای دینی، ضررهای جبران‌ناپذیری را متوجه عقاید پاک مردم خواهد ساخت.

منابع

کتاب

* قرآن کریم.

۱. ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله (۱۴۱۶ق)، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، تحقیق، ملحس رشدی صالح، بیروت، دار الاندلس.
۲. امینی، عبدالحسین (۱۳۸۸ش)، موسوعة الغدير فی الكتاب و السنة و الادب، تحقیق، سید محمود شاهرودی، قم، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی.
۳. انصاریان، حسین (۱۳۸۳ش)، اهل بیت علیهم السلام عرشیان فرش‌نشین، قم، انتشارات دارالعرفان.
۴. براقی، حسین (۱۳۸۱)، تاریخ کوفه، مترجم، سعید راد رحیمی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۵. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، تحقیق، محمد صادق قمحاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. حافظ، مولانا شمس‌الدین محمد (۱۳۷۲ش)، دیوان غزلیات حافظ، تصحیح، دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، یازدهم.

۷. حالت، ابوالقاسم (۱۳۶۴ش)، کلیات دیوان حالت، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۸. حلاج، حسین بن منصور (۱۳۰۵ش)، دیوان منصور حلاج، بمبئی، ناشر علوی.
۹. خیریه، بهروز (۱۳۹۲ش)، اهل بیت پیامبر در شعر شاعران گرد، قم، کتاب فردا.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۳ش)، امثال و حکم، تهران، امیرکبیر.
۱۱. زیانی، جمال (۱۳۸۵ش)، گل‌واژه‌های شعر حافظ، شیراز، نوید شیراز.
۱۲. سلمان ساوجی، سلمان بن محمد (۱۳۶۷ش)، دیوان سلمان ساوجی، به اهتمام منصور مشفق، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه.
۱۳. سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران، کتابچی.
۱۵. صفایی حائری، علی (۱۳۸۳ش)، حقیقت حج، قم، لیلۃ القدر.
۱۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، مصحح: حسن الموسوی، خراسان، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۷. عرفان‌منش، جلیل (۱۳۹۰ش)، همگام با امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۸. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۳م)، شاهنامه، تحت نظر جی. ا. برتلس، مسکو، آکادمی اتحاد جماهیر شوروی.
۲۰. فقیه بحر العلوم، محمد مهدی و خامه یار، احمد (بی تا)، زیارتگاه‌های عراق، تهران، سازمان حج و زیارت.
۲۱. قاضی عسکر، سید علی (۱۳۸۴ش)، حج در اندیشه اسلامی، تهران، مشعر.
۲۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۳. قمی، عباس (۱۳۸۶ش)، مفاتیح الجنان، ترجمه حسین انصاریان، قم، دار العرفان.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مجاهدی، محمد علی (۱۳۸۷ش)، سیری در قلمرو شعر نبوی، قم، مجمع جهانی اهل بیت.

۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. معین، محمد (۱۳۷۵ش)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۹. منتجب الدین، علی بن عیبدالله (۱۳۶۶ش)، الفهرست، به کوشش محمد سمایی حائری و محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۳۰. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (۱۳۶۷ش)، کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران، امیرکبیر.
۳۱. نظامی گنجوی، ابو محمد الیاس بن یوسف (۱۳۷۰ش)، کلیات خمسہ نظامی گنجوی، تهران، امیرکبیر.
۳۲. نظامی گنجوی، ابو محمد الیاس بن یوسف (۱۳۸۶ش)، خسرو و شیرین، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران، امیرکبیر.
۳۳. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت.

مقالات

۱. آخوندی، مصطفی (۱۳۸۸ش)، مقام ابراهیم علیه السلام و جایگاه آن در فقه، میقات حج، دوره ۱۸، شماره ۷۰
۲. احمدی، حمید (۱۳۸۲ش)، «هویت ملی ایرانی؛ بنیادها، چالش‌ها و بایسته‌ها، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۶، تابستان.
۳. درگاهی، مهدی و عندلیبی، رضا (۱۳۹۵ش)، نقش مقام ابراهیم در نماز طواف، میقات حج، شماره ۹۶
۴. ذاکری، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، مقام ابراهیم و نقش آن در طواف و نماز، میقات حج، شماره ۲۳
۵. ساجدی، مهدی (۱۳۹۶ش)، بازپژوهشی در اعمال مسجد کوفه و سهله، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه حج و زیارت، شماره ۱، بهار و تابستان.

۶. سعیدی زاده، رسول (۱۳۹۱ش)، قدمگاه‌های منسوب به امام رضا علیه السلام در ایران، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال بیستم، شماره ۷۹-۸۰
۷. عزیزی، حسین (۱۳۹۶ش)، مبانی فقهی لزوم صیانت از آثار تاریخی، مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های تاریخی، دوره ۹، شماره ۲ - شماره پیاپی ۳۴
۸. گودرزی، حسین و پیشوایی، مهدی (بهار ۱۳۷۳)، مقام ابراهیم و سیر تاریخی آن، میقات حج، شماره ۷
۹. نقدی، رضا (بهار ۱۳۹۴)، قتلگاه، غسلگاه، قدمگاه و سجده‌گاه امام رضا علیه السلام، فصلنامه مشکوة، سال سی و چهارم، شماره ۱۲۶

